

✓ کارنیل، بزرگترین شبکه موفقیت ایرانیان می باشد، که افرادی زیادی توانسته اند با آن به موفقیت برسند، فاطمه رتبه ۱۱ کنکور کارشناسی، محمد حسین رتبه ۶۸ کنکور کارشناسی، سپیده رتبه ۳ کنکور ارشد، مریم و همسرش راه اندازی تولیدی مانتو، امیر راه اندازی فروشگاه اینترنتی، کیوان پیوستن به تیم تراکتور سازی تبریز، میلاد پیوستن به تیم صبا، مهسا تحصیل در ایتالیا، و..... این موارد گوشه از افرادی بودند که با کارنیل به موفقیت رسیده اند،

شما هم می توانید موفقیت خود را با کارنیل شروع کنید. برای پیوستن به تیم کارنیلی های موفق روی لینک زیر کلیک کنید.

www.karnil.com

WWW.KARNIL.COM

حکایت نبوغ

آلبرت اینشتین

ماجراهای خواندنی و طنزآمیز از زندگی یک نابغه



نسخه
رایگان

نویسنده

موسی توماج

سایت زندگی رویایی
ZendegiRoyaie.com

۱۳۹۴

کلیه حقوق برای نویسنده و سایت زندگی رویایی محفوظ است.

حکایت نبوغ

آلبرت اینشتین

ماجراهای خواندنی و طنزآمیز از زندگی یک نابغه

نویسنده

موسی توماج

سایت زندگی رویایی

ZendgiRoyaie.com

info@zendegiroyaie.com

mtoumajiri@gmail.com

ZendegiRoyaie.com



سایت زندگی رویایی فضایی است برای تأمل، تحقیق و تولید محتوا در زمینه‌های مختلف باهدف غنا بخشیدن به زندگی شخصی و اجتماعی. مطالعات ما طیف نسبتاً وسیعی از موضوعات مهم حیات بشری از جمله خودشناسی، رشد شخصی و خودشکوفایی، مهارت‌های زندگی، کسب ثروت و استقلال مالی، فلسفه و معنای زندگی، رشد و تکامل معنوی را شامل می‌شود.

فهرست مطالب

مقدمه

حکایت نبوغ ۱: فلسفه جوراب و کشف جدید

حکایت نبوغ ۲: ستایش چاپلین

حکایت نبوغ ۳: میز شام با تزیینات ویژه

حکایت نبوغ ۴: تسلیحات جنگ چهارم

حکایت نبوغ ۵: همنام افسانه‌ای

حکایت نبوغ ۶: طفل زبان بسته

حکایت نبوغ ۷: پدر بزرگ کندذهن

حکایت نبوغ ۸: چه کسی دیوانه است؟

حکایت نبوغ ۹: تعبیر سیاسی نظریه نسبیت

حکایت نبوغ ۱۰: ارزش آزادی

حکایت نبوغ ۱۱: شعار پیشنهادی اینشتین

حکایت نبوغ ۱۲: حقوق اینشتین

حکایت نبوغ ۱۳: جهت‌یابی نهار

حکایت نبوغ ۱۴: بیزاری از مدرسه

حکایت نبوغ ۱۵: اهلی کردن و آموزش

حکایت نبوغ ۱۶: تنفر از حفظ کردن

حکایت نبوغ ۱۷: تکلف

حکایت نبوغ ۱۸: مصائب خانم اینشتین

حکایت نبوغ ۱۹: گروه یک نفره

حکایت نبوغ ۲۰: مصائب شهرت

حکایت نبوغ ۲۱: مُد سال

حکایت نبوغ ۲۲: بت شکنی و معیار تسلی بخش

حکایت نبوغ ۲۳: تماشاچیان

حکایت نبوغ ۲۴: سرایت نبوغ به راننده اینشتین

حکایت نبوغ ۲۵: محل قرار

حکایت نبوغ ۲۶: عقل نسبی و حقیقت مطلق

حکایت نبوغ ۲۷: گول زدن نابغه

حکایت نبوغ ۲۸: طعنه به ثروتمندان

حکایت نبوغ ۲۹: مهمان ملکه

حکایت نبوغ ۳۰: بخشش عجیب

حکایت نبوغ ۳۱: اثاثیه

حکایت نبوغ ۳۲: طراح معمای معمایی

حکایت نبوغ ۳۳: الهیات اینشتین

حکایت نبوغ ۳۴: عقل سلیم

حکایت نبوغ ۳۵: جنگ ابدی

حکایت نبوغ ۳۶: مزایای شهرت

حکایت نبوغ ۳۷: چه کسی می فهمد؟

حکایت نبوغ ۳۸: بستنی

حکایت نبوغ ۳۹: رهایی از قیود

حکایت نبوغ ۴۰: تناقض درون و برون

حکایت نبوغ ۴۱: نوزاد کله گنده

حکایت نبوغ ۴۲: مامان باذوق

حکایت نبوغ ۴۳: احترام ژاپنی

حکایت نبوغ ۴۴: کنکور ردّی

حکایت نبوغ ۴۵: ازدواج موقت

حکایت نبوغ ۴۶: ازدواج دائم

حکایت نبوغ ۴۷: کارمند نابغه

حکایت نبوغ ۴۸: ظهور نبوغ و آسیاب های گُند

حکایت نبوغ ۴۹: آزمایش سرنوشت ساز

حکایت نبوغ ۵۰: عذرخواهی از نیوتن

حکایت نبوغ ۵۱: جایزه فهمیدن اینشتین

حکایت نبوغ ۵۲: شرط بندی بر سر شهرت اینشتین

حکایت نبوغ ۵۳: شکلک معروف

حکایت نبوغ ۵۴: موجود تماشایی

حکایت نبوغ ۵۵: نتیجه ازدواج نبوغ و زیبایی

حکایت نبوغ ۵۶: نشانی معروف

حکایت نبوغ ۵۷: نسبیت عامه فهم

حکایت نبوغ ۵۸: اینشتین نامفهوم

حکایت نبوغ ۵۹: تناقض شهرت و نامفهومی

حکایت نبوغ ۶۰: نظریه نسبیت در تاکسی

حکایت نبوغ ۶۱: دو جریان زندگی

حکایت نبوغ ۶۲: خلوتگاه فکری

حکایت نبوغ ۶۳: سادگی و راحتی

حکایت نبوغ ۶۴: فرار از شهر

حکایت نبوغ ۶۵: صرفه جویی فکری

حکایت نبوغ ۶۶: دشمن اجبار

حکایت نبوغ ۶۷: دوستی با کودکان

حکایت نبوغ ۶۸: آموزش کودکان

حکایت نبوغ ۶۹: تربیت مکانیکی

حکایت نبوغ ۷۰: نفی نظامیگری

حکایت نبوغ ۷۱: جامعه گوسفندی

حکایت نبوغ ۷۲: تفاهم دشوار

حکایت نبوغ ۷۳: ریکشاو

حکایت نبوغ ۷۴: وقت و کار سیار

مقدمه

آلبرت اینشتین به‌عنوان دانشمندی نابغه و خلاق بسیار معروف است، اما به‌عنوان کسی که در مورد ابعاد مختلف زندگی انسانی اندیشیده، کمتر شناخته شده است. در کتاب‌های درسی معمولاً وجه علمی او مورد توجه قرار می‌گیرد. ما برای جبران این کاستی، در **سایت زندگی رویایی** به بررسی ابعاد دیگر افکار و زندگی اینشتین پرداختیم. تلاش ما این بوده که به آموزه‌های اینشتین در سایر زمینه‌ها و وجه انسانی زندگی وی پرداخته؛ آنها را در شکل و محتوایی متفاوت و مفید عرضه کنیم.

حاصل این مطالعات در قالب دو کتاب با عناوین **درس‌های نبوغ از آلبرت اینشتین و حکایت نبوغ آلبرت اینشتین** آماده شد. کتاب اول شامل ۱۰۰ آموزه از اینشتین در زمینه‌های مختلف زندگی است که با توضیحات و تفاسیر کوتاهی از طرف ما همراه است. کتاب دوم، همین کتاب، شامل ۷۴ ماجرای خواندنی و عمدتاً طنزآمیز از زندگی اینشتین را شامل می‌شود.

این دو کتاب محصول مطالعه موردی است که ما برای کتاب دیگرمان با عنوان **خودنبوغ‌شناسی: چگونه نبوغ ذاتی خود را کشف و شکوفا کنیم؟**، انجام دادیم. به دلیل ضعف‌های تربیتی و آموزشی و سایر عوامل محدودکننده، اکثر انسان‌ها در کشف و شکوفایی علایق و استعدادهای خود، موفق نمی‌شوند. دنبال کردن علایق و استعدادهای ذاتی‌مان نه تنها منبع اصیل شادمانی و رضایت درونی است بلکه شکوفایی استعدادهای ذاتی، کسب

موفقیت و استقلال مالی را برایمان سریع‌تر و راحت‌تر می‌سازد. فرض کنید اگر بیل گیتس به جای علوم کامپیوتر، که عاشق آن بود، وارد کار بورس می‌شد، بازهم می‌توانست ثروتمندترین مرد جهان شود؟ یا اگر وارن بافت، که شیفته بورس بود، دنبال علوم کامپیوتر می‌رفت بازهم یکی از مولتی میلیاردهای جهان می‌شد؟ همه افرادی که موفقیت‌های بزرگ کسب کرده‌اند، عاشق کارشان بوده‌اند. انجام کاری که به آن علاقه داریم، غیر از لذت و موفقیت، باعث رشد شخصی و معنوی ما می‌شود. با حرکت در جهت نبوغ ذاتی و رسالت شخصی از شادمانی، رضایت درونی، معناداری، رفاه و استقلال مالی، رشد شخصی، خودشکوفایی و تعالی معنوی بیشتری برخوردار گشته و درعین حال خدمتی ارزشمند نیز به جهان عرضه می‌کنیم. در **سایت زندگی رویایی**، هدف ما تلاش در جهت تحقق این نوع زندگی است که آن را **زندگی رویایی** نامیده‌ایم. ورود شما را به **زندگی رویایی** تبریک می‌گوییم.

درباره این کتاب

ماجرای این کتاب علاوه بر جالب و سرگرم‌کننده بودن، روحیات، منش و افکار انسانی را بازتاب می‌دهد که از نظر خودش صاحب استعدادی بیشتر از دیگران نیست و فقط به خاطر کنجکاوی شدید و سیری ناپذیرش موفق به کشف برخی رازهای طبیعت گشته است. طبیعت ساده و کودکانه، روحیه شوخ‌طبع و رک و راست اینشتین همواره موجب

پیشامدهای غیرمنتظره و جالب توجه در زندگی او بود. او در تمام زندگی اش این روحیه را حفظ نمود. خودش در این باره می نویسد:

از زندگی خود در سال های پیری راضی هستم. حس بذله گویی خود را حفظ کرده ام و نه خودم را جدی می گیرم و نه بغل دستی ام را.

این ماجراها همچنین علاوه بر وجوه طنزآمیز آن، بازتابنده روحیات و ارزش های زمانه نیز هست. دورانی پر تلاطم در تاریخ بشری که دو جنگ جهانی را بافاصله ای کمتر از سه دهه شاهد بود و برای اولین بار یکی از بزرگترین یافته های دانش بشری یعنی اصل هم ارزی جرم و انرژی که توسط خود اینشتین کشف شد برای ساختن بمب اتمی به کار گرفته شد. بمبی که به بهای جان میلیون ها نفر به قائله جنگ دوم جهانی خاتمه بخشید. این واقعه خود تأثیری جانکاه بر روح اینشتین باقی گذاشت و باعث شد که به طور جدی وارد فعالیت های صلح طلبانه شود. چالش جنگ و استفاده احتمالی از تسلیحات هسته ای همچنان یکی از تهدیدات عمده حیات بشری است. اینشتین همواره از سبقت افسارگسیخته پیشرفت تکنولوژی از رشد انسانیت ما واهمه داشت و نوشته بود: به طرز مخوفی آشکار است که، تکنولوژی ما از انسانیت ما پیشی گرفته است.

او که در جوانی شیفته آن بوده که در گوشه خلوتی به تحقیقات علمی خود پردازد در میانسانی به وسط رویدادهای خبرساز پرتاب شد. شهرت ناخواسته،

بار سنگین مسئولیت اجتماعی برای دفاع از آزادی، عدالت و صلح جهانی را بر دوش او نهاده بود. همزمان دوستان و دشمنان زیادی پیدا کرد. عموم مردم بدون اینکه چیزی از نظریات علمی او بفهمند شیفته‌اش شدند و درباره‌اش افسانه‌ها ساختند. او همیشه از این تناقض در حیرت بود و در جایی علت توجه عموم را با استقبال مردم از یک ورزشکار مشت‌زنی یا یک هنرپیشه معروف مقایسه کرده بود. نظریات انقلابی او از یک طرف و شخصیت ظاهری بی‌شیله‌پيله و روحیه کودکانه و شوخ‌طبعش، از طرف دیگر، کافی بود که مردم شیفته‌اش شوند. ما در این کتاب سعی کردیم تمام این وجوه جالب توجه زندگی اینشتین را بازتاب دهیم. سایت زندگی رویایی از نظرات، انتقادات و پیشنهادهای شما دوستان استقبال می‌کند.

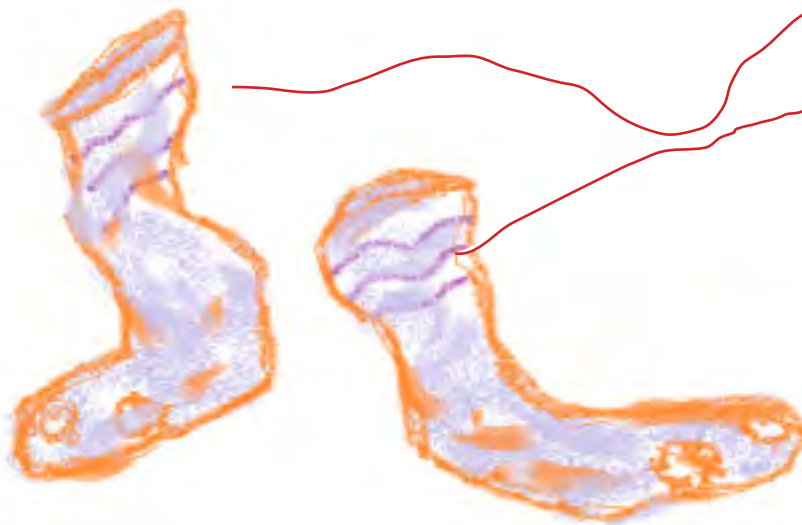
ZendegiRoyaie.com

info@zendegiroyaie.com

mtoumajiri@gmail.com

حکایت نبوغ ۱: فلسفه جوراب و کشف جدید

یک روز که اینشتین از سفر لندن برگشت و به خانه‌اش در برلین رسید، چمدانش را به همان ترتیب که خانمش برایش پیش از حرکت بسته بود، بازآورد. دست به ترکیب چمدان نزده بود و با لحنی بسیار جدی می‌گفت فرصت نکرده از آن استفاده کند. کفش‌هایش را بدون جوراب پوشیده بود و در

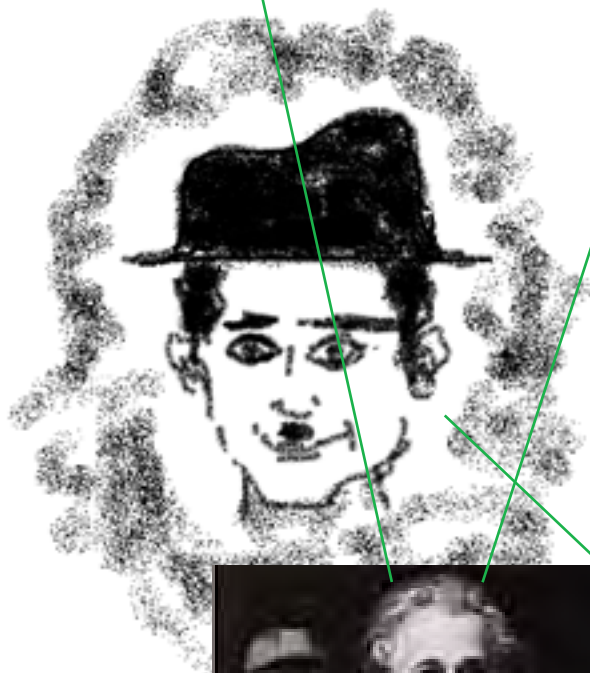
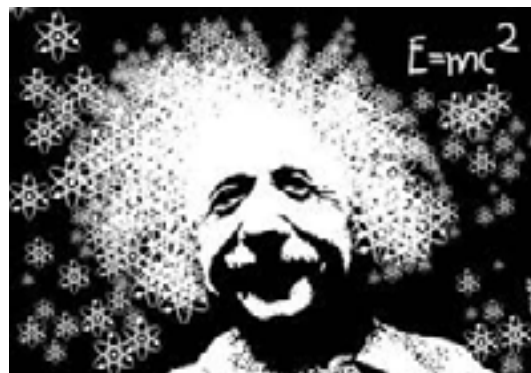


توجیه آن به یکی از دوستانش گفته بود: «من به این نتیجه رسیده‌ام بدون جوراب هم می‌شود در کفش راه رفت. از طرفی جوراب‌ها

زود به زود سوراخ می‌شوند و زخم دائما باید آنها را رفو کند؛ بنابراین من دیگر جوراب نمی‌پوشم چون امورات انسان بدون جوراب هم می‌گذرد.»

حکایت نبوغ ۲: ستایش چاپلین

در دیداری که بین اینشتین و چارلی چاپلین صورت گرفت، اینشتین به چارلی چاپلین گفت: کار شما خیلی مهم است، زیرا مردم جهان از هر کشور و قومی که باشند حرکت‌های شما را می‌فهمند

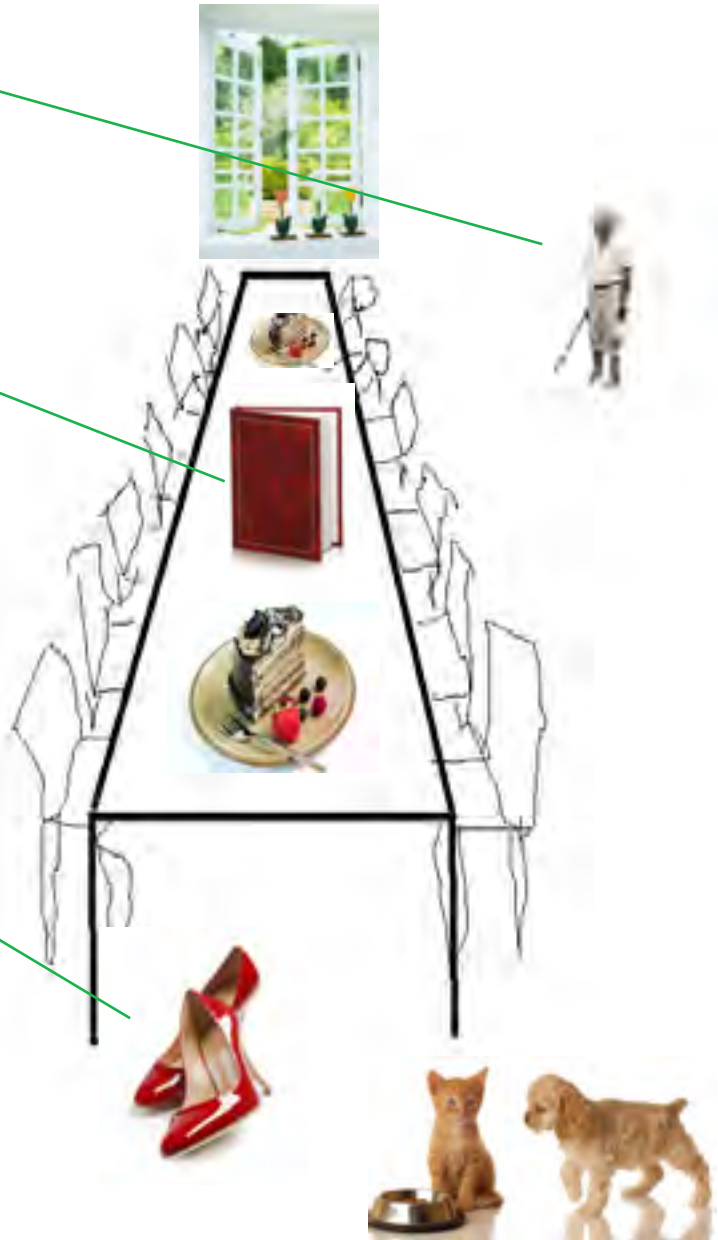


و تحسینتان می‌کنند. چارلی در پاسخ گفت: ولی به نظر من کار شما خیلی مهم‌تر است، زیرا مردم جهان از هر کشور و قومی بدون آن که حرف‌های شما را بفهمند تحسینتان می‌کنند!



حکایت نبوغ ۳: میز شام با تزیینات ویژه

اینشتین از کسانی که در مجالس مهمانی و محافل دوستانه، مسائل علمی را وسیله‌ی شیرین‌زبانی یا فضل فروشی می‌ساختند تنفر فوق‌العاده داشت. بانویی از بانوان مشهور برلین وقتی از او دعوت به شام کرد و برای اینکه اینشتین دعوت را بپذیرد نام گروهی از مشاهیر و اشخاص مهم را که در



این مهمانی حضور خواهند داشت ذکر کرد؛ اینشتین در جواب او اظهار داشت: «پس انتظار دارید که من هم از وسایل تزئینی میز شام شما بشوم؟»

حکایت نبوغ ۴: تسلیحات جنگ چهارم

در جواب یکی از خبرنگاران که از اینشتین پرسیده بود: «آیا به نظر شما در جنگ سوم جهانی سلاح اتمی به کار خواهد رفت یا نه؟» جواب داد: «من درباره‌ی سلاحی که در جنگ سوم جهانی به کار خواهد رفت چیزی نمی‌دانم ولی حدس می‌زنم که سلاح جنگ چهارم جهانی سنگ و چوب خواهد بود.»



حکایت نبوغ ۹: تعبیر سیاسی نظریه نسبیت

در سال‌های دهه سی نظریه نسبیت در آلمان به‌عنوان «بولشویسم در فیزیک» غالباً مورد حمله قرار گرفته بود و از طرف دیگر به‌وسیله جمعی از دانشمندان شوروی به‌عنوان «نظریه بورژوازی و ارتجاعی» نامیده شده بود. در سال ۱۹۲۷ روزی فیلیپ فرانک، دوست و همکار اینشتین، از یک استاد فلسفه سیاسی در

شوروی پرسید:

«برای من

قابل درک

چگونه نظریه

همچون

اینشتین در

کشورها به

بولشویسم و

روسیه به عنوان ضدبولشویسم مورد حمله قرار گرفته است».

استاد مذکور پس

از لحظه‌ای تفکر با لحن قاطعی پاسخ داده بود: «در ممالک سرمایه‌داری نظریه

نسبی از این موضوع پشتیبانی می‌کند که اقتصاد سرمایه‌داری فقط «صحت

نسبی دارد».

از طرف دیگر در اتحاد شوروی هواخواهان اینشتین مدعی هستند

که دستگاه کمونیست فقط دارای «صحت نسبی» است. ماحصل موضوع این

می‌شود که اصحاب نسبیت در همه‌جا، به حق و واقع، محکوم گردند».



شوروی پرسید:

قابل درک

چگونه نظریه

همچون

اینشتین در

کشورها به

بولشویسم و

روسیه به عنوان ضدبولشویسم مورد حمله قرار گرفته است».

استاد مذکور پس

از لحظه‌ای تفکر با لحن قاطعی پاسخ داده بود: «در ممالک سرمایه‌داری نظریه

نسبی از این موضوع پشتیبانی می‌کند که اقتصاد سرمایه‌داری فقط «صحت

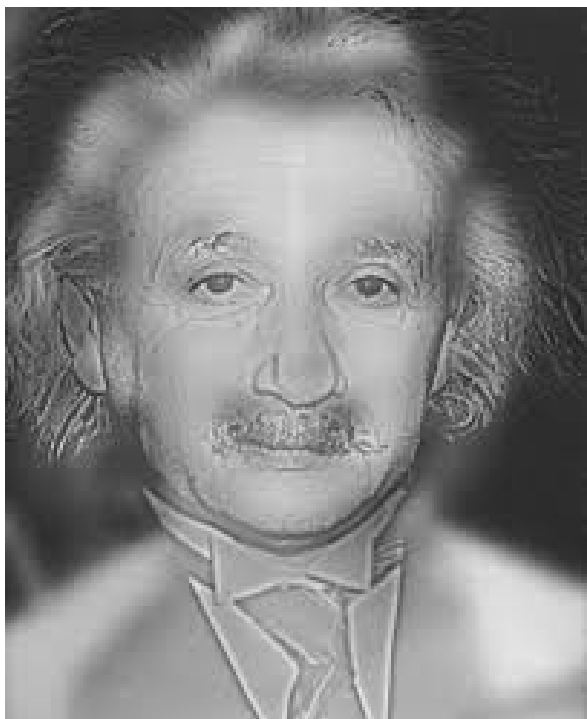
نسبی دارد».

از طرف دیگر در اتحاد شوروی هواخواهان اینشتین مدعی هستند

که دستگاه کمونیست فقط دارای «صحت نسبی» است. ماحصل موضوع این

می‌شود که اصحاب نسبیت در همه‌جا، به حق و واقع، محکوم گردند».

حکایت نبوغ ۵۵: نتیجه ازدواج نبوغ و زیبایی



فرد خلاق ناشناسی زمانی در جایی نوشت که «مریلین مونرو»، هنرپیشه زیباروی و معروف، یک وقتی نامه‌ای نوشت به اینشتین که فکرش را بکن که اگر من و تو ازدواج کنیم، بچه‌هایمان با زیبایی من و هوش و نبوغ تو چه محشری می‌شوند!

اینشتین هم نوشت: «ممنون» از این همه لطف و دست و دل‌بازی

شما. واقعاً هم که چه غوغایی می‌شود! ولی این یک روی سکه است. فکرش را بکنید که اگر قضیه بر عکس شود چه رسوایی بزرگی بر پا می‌شود!

برای تهیه نسخه کامل کتاب به سایت زندگی رویایی مراجعه فرمائید.

تولید شده در سایت زندگی رویایی

نویسنده

موسی توماج

info@zendegiroraie.com

mtoumajiri@gmail.com

ZendegiRoyaie.com

۱۳۹۴

کلیه حقوق متعلق به نویسنده و سایت زندگی رویایی می باشد.



در کانال تلگرام کارنیل هر روز انگیزه خود را شارژ کنید 😊

<https://telegram.me/karnil>

 @karnil